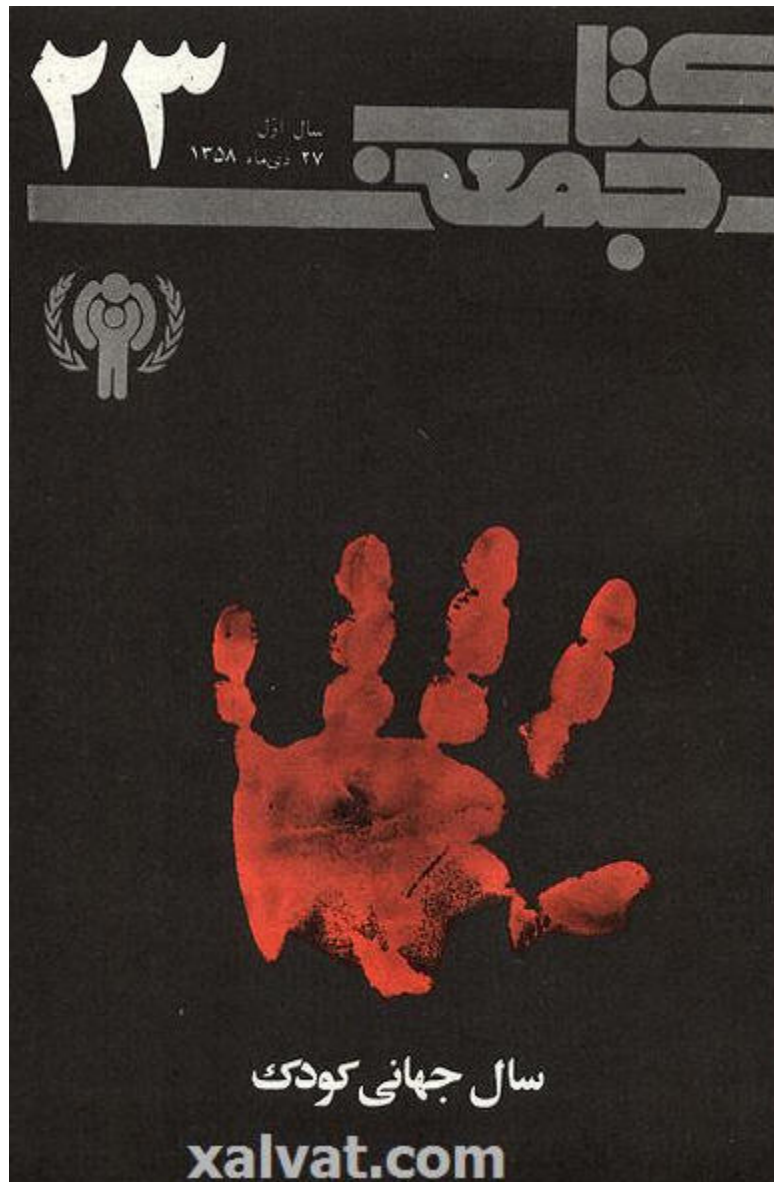




796

فرخ صادقی : در بارهء تاریخ ادبیات کودک در ایران + بازسازی نقش ادبیات کودک



طرح روی جلد از: علیرضا اسپیبد



هفته‌نامه سیاست و هنر

سرمدییر: احمد شاملو

با همکاری شورای نویسندگان

تأهین و تنظیم منباحت: ابراهیم حقیقی

مکاتبات با صندوق پستی ۱۵۱۱۳۲ (تهران)

مرکز بختی: تلن ۸۳۸۸۳۲ (تهران)

مطالب رسیده به هیچ عنوانی فایل
استرداد نیست. شورای دبیران در حاک و
اصلاح مطالب آزاد است.

بهای اشتراك

برای ۵۰ شماره ۴۰۰۰ ریال

برای ۲۵ شماره ۲۲۵۰ ریال

برای ۲۵ شماره در اروپا ۳۲۵۰ ریال

برای ۲۵ شماره در آمریکا ۴۰۰۰ ریال

که قبلاً در پانفت می‌شود

خواستاران اشتراك می‌توانند مبلغ لازم را
از نزدیک‌ترین شعبه هر يك از بانكها به حساب
شماره ۴۲۰ بانك سپه (شعبه اتو بانك باشگاه)
واریز کنند و رسید آن را به ضمیمه نشانی خود ریا
فید این که مجله را از چه شماره‌ای می‌خواهند
به نشانی پستی «کتاب‌جمعه» بفرستند.

شماره‌های گذشته هفته‌نامه را می‌توانید از
کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران تهیه کنید.

بها ۱۰۰ ریال

اشترك ویژه

با ارائه كارت تحصیلی ۵ شماره

۲۵۰ ریال

برای اشتراك به مركز بختی مراجعه نمایند.

فایل توجه خوانندگان و همكاران

دست به‌كار تنظیم شماره‌هایی از
کتاب‌جمعه هستیم. به‌ترتیب:

• ویژه فلسطین

• ویژه کودکان (به‌مناسبت سال جهانی کودک)

• ویژه آفریقا

• ویژه آمریکای لاتین.

چنانچه مطالب و استاد و بررسی‌ها و
نصاویر چاپی در این زمینه‌ها در اختیار
داورید، ما را به‌مرجه پربارتر کردن این
ویژه‌نامه‌ها باری کنید! زمان دقیق انتشار هر
يك از این ویژه‌نامه‌ها بعداً اعلام خواهد شد.

برای تکمیل پایگانی کتاب‌جمعه در
زمینه تصاویر شخصیت‌ها و وقایع جهان
سیاست، د علم و هنر به‌باری شما نیازمندیم.
چنانچه تصاویری در این زمینه‌ها دارید برای
ما بفرستید.

xalvat.com

کنا

سال اول
۲۷ دی ماه ۱۳۵۸

صفحه

xalvat.com

فصله	طرح و عکس
• شافزاده کوچولو آبتوان درس، تکرار بازی ۲۰	• طرحی از ابراهیم حلیلی ۲
• احمد شامسر • چهار حکایت از دابینجی • ترجمه لیلی گلستان • لوهایی وحشی • هانس کریستین آندرسن ۷۳	• طرحی از توپون ۸
• ابرای ماه • تراک پرومور • لیلی گلستان • مرگ یک چریک • آرسین صدری • انقلاب در دهکده ما • زیور آنداز ۱۶	• نقاشی های کودکان ۱۲۳
• شهر	مقالات و مقالات
• قدیمی ترین شهر برای کودکان • سیروس طاهیان • شعرهای کودکان • ترجمه منصور ارجی ۱۰۴	• آخرین صفحه تلویزم • مراد • آینده مطمئن و صلح امیر برای تمام کودکان • فریدا برادر • درباره تاریخ ادبیات کودک در ایران • فرخ صادقی • بازسازی نقش ادبیات کودک • فرخ صادقی • با کودکان و ترجمانان • الکساندر میخائیل سولوخوف • سعید • نظریه جوانان • ج. ان. راکر • جهانگیر بخشی ۱۳۸ ۱۴۹ ۱۵۱ ۱۵۲

درباره
تاریخ ادبیات کودک
در ایران



مقاله حاضر فشرده کتابی است در زمینه تحلیل تاریخی ادبیات کودک در ایران که تا کنون دو سالی صرف تدوین آن شده و چنانچه از وضع کار برمی آید لااقل يك سال دیگری را نیز کار خواهد برد.

اما طرح این مطلب را، اکنون، ولو به صورت فشرده و ناگامی به دو دلیل ضرور می بینم. اول این که نبود يك طرح تاریخی برای ادبیات کودک در غالب موارد دشواری هایی پدید آورده است از قبیل دوباره کاری و تکرار تجربیات گذشته و ناتوانی در تبیین بعضی جریان ها و موقعیت تاریخی بعضی از آثار و جز این ها... دیگر این که طرح فشرده مطلب حداقل این حسن را خواهد داشت که اگر این طرح پذیرفتنی باشد مورد استفاده دیگر دست اندرکاران ادبیات کودک نیز قرار گیرد و اگر اشکالات و نارسایی های مشخصی دارد با نقد و بررسی دیگران اصلاح و پالوده شود.

...

xalvat.com

از آغاز دوران پیدایش شکل یافته ادبیات کودک در ایران تا کنون سه دوره مشخص پدید آمده است. این سه دوره عبارت است از: دوره متقدم، دوره ترجمه، و دوره معاصر. پیش از پرداختن به مشخصات هر يك از این سه دوره، ضروری است در مورد چگونگی پیدایش شکل یافته ادبیات کودک توضیحی داده شود.

در ادبیات کلاسیک ایران گاه رگه هایی از توجه به کودکان دیده می شود. در کارهای جامی، مولوی، سعدی، اعتصامی، ایرج میرزا و طالبوف نمونه های معدودی از این رگه ها وجود دارد. اما هیچ يك از این ها نه به طور مستمر و نه به طور مستقیم راهی به سوی ادبیات کودک باز نکردند. فرقتش را که بگیریم، می توان گفت این ها نمونه هایی است از «نوشته هایی درباره کودکان» و نه «برای کودکان». پس این ها را اگر بتوانیم اولین اندیشه ها در پیدایش ادبیات کودک بدانیم و اگر بعضی از عناصر فرهنگ عامه (افسانه ها، مثل ها، و بازی های شعرگونه) را نمونه های پراکنده ای از شکل های اولیه ادبیات کودک

تصور کنیم، در مجموع به‌دوره‌نی از ادبیات کودک می‌رسیم که درواقع هنوز آغاز تاریخی آن نیز نیست بلکه دوره‌ی شکل نیافته و غیر مستحری است که بعدها به‌پیدایش شکل یافته‌ی ادبیات کودک منتهی می‌شود. در پیدایش ادبیات کودک دو عامل نقش اساسی داشته است: گسترش سواد و اشاعه‌ی اصول روانشناسی و تعلیم و تربیت کودکان. ادبیات مشروطه هرچند دورخیز عمده‌نی برای پدید آوردن ادبیات کودک کرد (تهضت ساده‌نویسی، که وجه عمده‌ی جنبه‌ی فنی ادبیات مشروطه بود و چنین جنبه‌نی از ادبیات کودک نیز هست) اما به‌دلیل فقدان آن دو عامل اساسی نتوانست پدیدآورنده‌ی ادبیات کودک باشد. بنابراین پیدایش شکل یافته‌ی ادبیات کودک در ایران به‌زمان فراهم آوردن این دو عامل - حدود سال‌های دهه‌ی اول قرن حاضر شمسی - موکول ماند، یعنی زمانی که با گسترش مدارس ابتدائی و اشاعه‌ی اصول نوین روانشناسی و تعلیم و تربیت کودکان، زمینه برای شکل یافتن ادبیات کودک فراهم شد. از اینجاست که دوره‌های سه‌گانه‌ی ادبیات کودک آغاز می‌شود.

xalvat.com

۱- دوره‌ی مقدم:

همان‌طور که پیش از این گفته شد، با گسترش مدارس ابتدائی و اشاعه‌ی اصول نوین روانشناسی کودکان، زمینه برای پیدایش ادبیات کودک فراهم آمد. تأثیر عامل اول بدین گونه بود که علاوه بر به‌وجود آوردن خوانندگانی برای ادبیات کودک (با دادن مهارت خواندن که شرط اولیه‌ی استفاده از منابع مکتوب است)، به‌تدریج در آنان مسپل و انتظار خواندن نوشته‌هایی خارج از متون درسی را نیز ایجاد کرد. عامل دوم نیز کودک را به‌عنوان انسانی مستقل (نه صرفاً بزرگسالی کم سن که فقط درحال بزرگ شدن است، آن‌گونه که در شیوه‌های پیشین تعلیم و تربیت انگاشته می‌شد) و دارای ویژگی‌ها و توانائی‌های خاص خود مورد بررسی و شناخت قرار داد. حاصل منطقی چنین بررسی و شناختی رسیدن به‌ضرورت پیدایش آثاری خاص این گروه از مخاطبان تازه بود. و این، نقطه‌ی آغاز ادبیات کودک بود. اولین نمونه‌های ادبیات کودک در این معنا، آثار جبار باغچه‌بان است. جریانی که بدین ترتیب آغاز شد بیش‌تر به‌جنبه‌ی تعلیم و تربیت کودکان توجه داشت. تقریباً هم‌زمان با همین جریان، زمینه دیگری نیز در ادبیات کودک پدید آمد و آن، بازنویسی آثاری از فرهنگ عامه برای کودکان بود.

بدین ترتیب در دوره اول ادبیات کودک به دو زمینه اصلی برمی‌خوریم:
اول - نوشتن آثاری برای کودکان با توجه به جنبه آموزشی.
دوم - بازنویسی آثاری از فرهنگ عامه برای کودکان.

در زمینه اول که گرایش تعلیم و تربیتی آن بر جنبه ادبی (به معنای وسیع اجتماعی و خلاقانه) غلبه داشت، هدف اصلی آموختن نکته یا مطلبی بود. آنهم بیش‌تر در جهت جربان آموزش رسمی و کم‌تر در جهت مسائل اجتماعی. وجه اشتراك کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند معلّم بودن آنان است و بی‌شك توجه عمده آنان به امر آموزش نیز بی‌ارتباط با زمینه حرفه‌ای‌شان نبوده است. در این گروه از کسانی چون جبار باغچه‌بان، بحیی دولت‌آبادی و محمدباقر هوشیار می‌توان نام برد.

زمینه دیگر در این دوره، بازنویسی آثاری از فرهنگ عامه برای کودکان بوده است. انتخاب نمونه‌نی مناسب و بازنویسی آن به زبانی ساده و جوه اصلی این زمینه می‌نوانست باشد. در این زمینه فضل‌الله صبحی و صادق هدایت کار کرده‌اند. بعدها بازنویسی از متون کلاسیک برای کودکان نیز به این زمینه افزوده شد. احسان پادشاطر، زهرا خانلری، مهدی آذر یزدی و مهرداد بهار در این زمینه اخیر کار کرده‌اند. حاصل عمومی دوره متقدم، طرح مسئله ادبیات کودک در سطحی محدود از جامعه بود. طرحی که بعدها توقع و انتظاری را در جامعه پدید آورد و پس از بهر ز کشیده شدن در دوره دوم، چنان‌که خواهیم دید، در دوره سوم به حاصلی بالنسبه پر بار در ادبیات کودک انجامید. از سوی دیگر این دوره به تجربه دو زمینه ابتدائی ادبیات کودک - که شرح اجمالی آن پیش‌تر ذکر شد - دست زد و در واقع با تجربه این دو زمینه، دوره‌های بعد را از تکرار این تجربه‌ها بی‌نیاز کرد. بنابراین حاصل تاریخی دوره متقدم را در دو جنبه می‌توان خلاصه کرد: اول - طرح اجتماعی مفهوم ادبیات کودک. دوم - تجربه دو زمینه از این گونه ادبیات. با انجام این دو وظیفه، در واقع رسالت دوره اول به پایان رسید و دوره بعدی ادبیات کودک آغاز شد.

xalvat.com

۲. دوره ترجمه

دوره ترجمه دوره‌نی است حد واسطه بین دوره متقدم و دوره معاصر. جز این جنبه، مشخصه درخور توجهی برای این دوره نمی‌توان قائل شد. آثار این دوره از نظر کمیت پر حجم است و از نظر محتوا تقریباً هیچ در سرتاسر این

دوره بديك مورد با ارزش نمی‌توان برخوردار. اگر هم نمونه‌ی دوزخور توجهی در سال‌های زمانی این دوره یافت شود، درواقع فقط تقارن تقویمی است، نه تاریخی. اساساً خواستگاه این دوره بر روابط سوداگرانه است نه اجتماعی، فرهنگی یا هنری.

salvat.com

زمینه‌ی تاریخی پیدایش این دوره چنین است که به‌توسط دوره‌ی اول، مفهوم نازة ادبیات کودک در سطح - هرچند محدود - جامعه مطرح شد و به‌تدریج انتظار جامعه از این مفهوم نازة فزونی گرفت. بنابراین ادبیات کودک به‌تدریج «خواستار» پیدا کرد. اما این «خواستاران» در يك رابطه‌ی سوداگرانه تبدیل به «خریداران» شدند. چگونه؟ جریان روشن است: خانواده‌هایی که در آن موقع فرزندی در س خوانده می‌توانستند داشته باشند، و از بین آنان، خانواده‌هایی که توان خرید کتاب غیردرسی داشتند، بی‌شک از نظر اقتصادی و به‌تبع آن از نظر فرهنگی دارای وضع خاصی بودند. مرفه، نفیس، طلب، و مصرف‌گرا.

پس این خواستاران، درواقع بیش از آن‌که سخت‌گیری اجتماعی و فرهنگی روی ادبیات داشته باشند سخت‌گیری ظاهرپسندانه داشتند. طبعاً چنین گرایشی آنان را از جایگاه خواستاران واقعی به‌طرف موضعی خریداران می‌راند. پس ادبیات کودک به‌تدریج داشت «بازار» پیدا می‌کرد. این يك سوی قضیه. از سوی دیگر ادبیات کودک با وجود طرح انتظاراتی درجامعه، خود دست خالی به‌میدان آمده بود. یعنی در طی سال‌های دوره‌ی اول فرصت نیافته بود که برای آینده‌ی خود فکری بیندیشد و اخلاقی بی‌گیر و صادق برای خود برجای بگذارد. در نتیجه ادبیات کودک شده بود «ادبیاتی بی‌نویسنده»! این هم سوی دیگر قضیه. برخوردار این دو سوی قضیه باعث پیدایش دورانی شد که از نظر فرهنگی دورانی بی‌حاصل و بی‌بار بود: دوره‌ی ترجمه. در این دوره کسانی که به‌صرف دانستن تعدادی لغت از يك زبان خارجی و به‌مدد کتاب لغت، توانسته بودند خود را «مترجم» تصور کنند، بی‌هیچ اطلاعی از ادبیات کودک و بی‌هیچ درک درستی از خواست و روحیه‌ی کودک ایرانی دست به‌ترجمه و انتشار کتاب‌هایی زدند که نه ادبیات کودک بود و نه اصلاً ادبیات. وجود بازاری برای ادبیات کودک - به‌دلایلی که قبلاً اشاره شد - و غیبت نویسندگان ایرانی در این حیطه میدان پلانازعی در اختیار این بازار آشفته ترجمه گذاشت. انتخاب‌های نامناسب و ترجمه‌های ناشیانه وجه اشتراك انبوهی از این کتاب‌ها شد که مفیدترین کاربرد آن‌ها، عملکردشان به‌مثابه «پوشال» برای

برکردن فاصله زمانی دوره‌های ماقبل و مابعد بود. مترجمی با حدود ده اسم مستعاره مترجم دیگری با قریب پنجاه - شصت کتاب در يك دوره کوتاه، و مترجم دیگری با مثله کردن حدود هفتاد اثر معروف و پرحجم در چندین جزوه كوچك، نمونه‌های کلاسیکی از بی‌بند و باری حاکم بر این دوره‌اند. با همه این نکات، هرچند این دوره برای خودش دوره‌ئی بی‌حاصل و بیهوده بود، اما در رابطه با دو دوره دیگر ادبیات كودك، دو کار انجام داد:

اول: حدّ واسطه زمانی بین دوره اول و دوره سوم قرار گرفت و فاصله زمانی این دو را پر کرد.

دوم: باعث پیدایش زمینه تازه‌ئی برای ترجمه ادبیات كودك در دوره سوم شد.

دوره دوم ادبیات كودك نیز با به‌انجام رسانیدن این دو وظیفه، به‌پایان رسید و نوبت به‌سومین دوره یا دوره معاصر رسید.

xalvat.com

۳. دوره معاصر (یا متأخر):

زمان پیدایش سومین دوره ادبیات كودك، نیمه دوم دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰ بوده است. بررسی زمینه‌های اجتماعی جتین پیدایشی، کاری مفصل و جدا از توان این مقاله است. اما به‌اجمال می‌توان پدو عامل مهم اشاره کرد. یکی از این عوامل، وضعیت خاص اجتماعی این سال‌ها بود. سال‌های دهه ۱۳۴۰ زمان اجرای بعضی «اصلاحات» رفرمیستی در ایران برای تخفیف نارضایتی‌های فزاینده در سطح جامعه بود. در این حین، امکان رشدی سریع برای ادبیات در زمینه‌های مختلف پدید آمد. عرضه آثار ادبی به‌صورتی وسیع فزونی گرفت و در این میان، ادبیات كودك نیز به‌عنوان عاملی آگاهی‌دهنده و وسیله‌ئی برای پیداری افکار نسل جوان، از سوی بخش‌هائی از روشنفکران مورد توجه قرار گرفت. اما شکست اصلاحات رفرمیستی بلافاصله به‌تأجیمی سرکوپگرانه از سوی محافل رژیم حاکم بر علیه همه نهادهای اجتماعی و از جمله جنبش‌های روشنفکری و ادبیات منتهی شد. لذا فشاری که از سوی اختناق و سانسور دستگاه حاکمه وقت بر کلّ ادبیات وارد شد به‌تدریج دست و پای جریان عمومی آن را بست و از این طریق گرایش اجباری به‌سوی ادبیات كودك که با برخورداری از امکاناتی نظیر استعاره و تمثیل، میدان عمل وسیع‌تری برای گریز از تیغ سانسور یافته بود به‌وجود آمد. عامل دیگر

تشکیل سازمانی گروه‌های سیاسی و به‌ندریج سیاسی شدن بخش‌هایی از جامعه (و به‌ویژه بخش‌های روشنفکری) و به‌تبع آن، سیاسی شدن ادبیات و تئری طبیعی آن به ادبیات کودک بود. حاصل مجموعه این عوامل باعث پیدایش سومین دوره از ادبیات کودک یا دوره معاصر آن شد. دوره‌ای که اکنون نیز ادامه دارد و با همه کاستی‌ها و لنگی‌هایش، درواقع دوره شکل‌گیری ادبیات کودک در ابعاد اجتماعی و فرهنگی آن است. با اشاره کوتاه فوق، بدیهی است که پیدایش چنین دوره‌ای را نمی‌توان به یک فرد مشخص نسبت داد - چون برآیند جریان‌های عمومی جامعه بود - اما با این وجود، آثار صمدبهرنگی را می‌توان سرآغاز این دوره دانست.

مبنای نظری یا بیان‌نامه این دوره را می‌توان آن مقاله معروف به‌رنگی دانست که با جمله «دیگر وقت آن گذشته که ادبیات کودک را محذره کنیم به...» آغاز می‌شود. این مقاله که نقطه حرکت اولیه دوره معاصر ادبیات کودک را ترسیم می‌کند لزوم و ضرورت پرداختن به مسائل ملموس و عینی جامعه و محذره نکردن کودک در دنیای صرفاً ذهنی و تخیلی را مورد تأکید قرار داده است.

salvat.com

مشخصات عمده این دوره که اکنون سال‌های دو دهه‌الگی را می‌گذرانند توجه گسترده به مسئله واقع‌گرایی در ادبیات کودک است. واقع‌گرایی (رنالیزم) در این سال‌ها به‌طور کلی در سه شکل: واقع‌نویسی، تمثیل و استعاره تجلی کرده است. اما از بین این سه شکل، استعاره شکل غالب بوده است. دلیل این غلبه را درجند عامل جست و جو می‌توان کرد: اول - ضرورت استفاده از عاملی که بتواند از آسیب سانسور مصون بماند. استعاره به‌دلیل قابلیت تعبیرپذیری خود چنین خصوصیاتی را دارد و می‌توان در شرایط اختناق، مفاهیم اجتماعی - سیاسی را در بیانی غیر صریح، و در نتیجه تا حدی مصون از آسیب سانسور بازگو کند. دوم - سابقه تاریخی استفاده از بعضی از نمادهای استعاری در افسانه‌ها

۱. متن این مقاله بار اول در مجله نگین (اردیبهشت ۲۷) و بعد در راهنمای کتاب (خرداد ۲۷) چاپ شد. و بعدها در جاهای مختلف نقل شد و حال درمقدمه بعضی از کتاب‌های صمدبهرنگی و از جمله اخیراً در مجموعه تصحیحی او آورده شد است.

۲. توضیح فنی درباره مشخصات هر کدام از این اصطلاحات و شیوه کاربرد و وجوه افتراق آن‌ها هرچند ضروری، اما از موضوع این مقاله خارج است. در توضیح این نکات به منابع دیگر می‌توان رجوع کرد.

و قصه‌های عامیانه که از اولین شکل‌های ادبیات کودک بوده‌اند. از این طریق یک رابطه فرابت تاریخی بین ادبیات کودک و استعاره وجود دارد. سوم - استعاره به‌دلیل ماهیت خود کاربردی دوگانه دارد. استعاره را هم می‌توان مناسب انتخاب کرد و در یک اثر به‌درستی از آن سود جست، هم می‌توان سرسری انتخاب کرد و به‌طرزی نادرست مورد استفاده قرار داد. البته حاصل این دو انتخاب و این دو کاربرد مسلماً یکی نیست. حاصل اولی یک اثر استعاری خوب و دارای محتوای ارزشمند است، و حاصل دومی یک اثر استعاری بی‌ارزش. با وجود نادر بودن کاربرد دوم، اما به‌رحال در طی سال‌های مربوط به‌دوره سوم ادبیات کودک، این هر دو کاربردها مطرح بوده و به‌ویژه کاربرد دوم به‌کرات و دفعات فراوان.

جز واقع‌گرائی، ویژگی دیگر دوره معاصر مشخص شدن شاخه‌های مختلف ادبیات کودکان و پدید آمدن آثاری مستقل در هر یک از این شاخه‌هاست. اکنون چهار شاخه مشخص در ادبیات کودک قابل تشخیص است: قصه، شعر، مقاله، و نمایشنامه.

salvat.com

البته این چهار شاخه از نظر تعداد آثار و کیفیت با هم مشابه نیستند و تقریباً به‌همان ترتیبی که در فوق آمده است از قوت به‌ضعف گرایش دارند. به‌عبارت دیگر در وضعیت کنونی، قصه قوی‌ترین و نمایشنامه ضعیف‌ترین شاخه ادبیات کودک است.

ترجمه به‌عنوان میراثی از دوره قبل برای این دوره، این بار کاربردی بالنسبه درست یافته است. انتخاب مناسب‌تر و ترجمه از روی آگاهی به‌فنون کار، نمونه‌های قابل پذیرشی در مجموع آثار این دوره پدید آورده است. چنان که پیش‌تر اشاره شده، دوره معاصر ادبیات کودک اکنون نیز ادامه دارد، اما دوری درباره تأثیر تحولات اخیر اجتماعی ایران بر روی آن هنوز زود است. آنچه جای تردید ندارد این است که باید انتظار دگرگونی‌ها و تأثیر پذیری‌های مشخصی را داشت. میل و اشتیاق عظیم نسل نوپای ایران به‌خواندن و دانستن بیشتر، وظیفه یزگی به‌نویسندگان و دست‌اندرکاران ادبیات کودک محول می‌کند، هم اکنون طلیعه درخیزهای هرچند عجولانه اما یزگی در گشایندن مفاهیم اجتماعی به‌محیطه ادبیات کودک دیده می‌شود.

فرخ صادقی:

بازسازی نقش ادبیات کودک



xalvat.com

وسیع و همه جانبه در آموزشگاه جامعه، اکنون طبعاً نیازها و خواست‌های متفاوتی از ادبیات خاص خود دارد و اگر ادبیات کودکان نتواند این نیازها و خواست‌ها را به درستی دریابد و برآورده سازد محکوم پدائزوا خواهد بود چنین سرنوشتی نه به صلاح ادبیات کودکان نوپا و جوان ما است و نه به نفع کودکان

تحولات اخیر جامعه ایرانی و تغییرات تبعی در نحوه برداشت و نگرش اجتماعی افراد از جمله و به ویژه کودکان، ضرورت بازسازی سریع و هوشیارانه‌تری را در نقش و کاربرد ادبیات کودک در وضعیت کنونی محتوم می‌سازد

کودک ایرانی پس از آموزشی

جامعه ما که با «مطالعه» به عنوان یک ابزار تازه و مفید برای آگاهی‌های اجتماعی دارند خو می‌گیرند.

در بازسازی نقش ادبیات کودکان طبعاً عوامل بسیاری در جامعه باید مشارکت و مداخله فعال داشته باشند، اما از این میان نقش نویسندگان و منتقدان از اولویت و اهمیت مشخصی برخوردار است؛ لذا در این مقاله نکات مشخص این نقش را اول به صورت کلی عنوان می‌کنم و پس از آن سعی خواهم کرد به تشریح اجمالی هر نکته پردازم.

○ نکته اول: وظیفه مبصر همه نویسندگان پیشرو ادبیات کودکان است که به بازسازی مربع نقش و مواضع ادبیات کودکان پردازند. عوامل عینی جامعه مواد اولیه فراوانی برای آفرینش آثار پیشرو و مناسب دو اختیار این دسته از نویسندگان قرار می‌دهد که باید به عنوان دستمایه اولیه از این مراد استفاده کنند.

○ نکته دوم: وظیفه ضروری منتقدان آگاه و مترقی، به نقد و بررسی گذارن کلیه آثار کتونی ادبیات کودک است که باید با آگاهی دقیق از معیارهای ادبیات کودک و چگونگی کارکرد این ادبیات نزد کودکان، به نقد و ارزیابی آثار این زمینه پردازند.

○ نکته سوم: در شیوه نگارش ادبیات کودک باید تغییراتی به وجود آید. استعاره که عمده‌ترین عامل دهنده اخیر ادبیات کودک بوده است،

اکنون ضرورت تاریخی خود را به شکل گذشته از دست داده است و باید کنار گذاشته شود و تا استقرار احتمالی یک نظام سانسور مجدد (۱) باید از شیوه واقعی نویسی استفاده شود.

○ نکته چهارم: باید به آفرینش آثار ادبیات کودک به زبان مادری خلق‌های مختلف ایران توجه فوری مبذول شود برای کودکان مناطقی که دارای زبان مادری خاص هستند، ادبیات کودکان به همان زبان تدوین شود.

○ نکته پنجم: نویسندگان ناتوان در شناخت درست نقش حساس ادبیات کودک محکوم به انزوا و کناره‌گیری هستند. هر اقدام آن‌ها که ماهیتاً خالی از مواضع پیشرو بوده و به جریان اصولی ادبیات کودک لطمه زند باید با قاطع‌ترین شیوه‌های منتقدانه افشا شود.

○ نکته ششم: باید از هرگونه فرصت‌طلبی عناصری که هر روز به رنگی و شکلی دنیال یافتن جای پای غاصبانگی در هر جریان هستند، جلوگیری شود و موضع آنان هر چند به ظاهر و به تبعیت از جریان‌های روز مرقبانه، اما در عمق و باطن بی‌ریشه و ناصیل خواهد بود توضیح داده شود.

○ این شش نکته به گمان من نکات عمده دخیل در یافتن موضع تازه و مقتضی برای ادبیات کودک در موقعیت کنونی هستند. گرچه هر شش نکته، نکات مشخص و روشنی به نظر می‌رسند، اما توضیحی اجمالی

درباره هر کدام را برای روشن تر شدن ضرورت شان بی فایده نمی دانم.

نکته اول: که در واقع محور اصلی در بازسازی نقش ادبیات کودک است. ناظر بر این واقعیت و اصل است که سطح دریافت، پیش و انتظار کودکان در هر شرایط متفاوت اجتماعی متفاوت است. برای کودکی که همین دیروز سرخگون شدن سنگفرش کوچه و محله اش را از خون همبازی یا هم مدرسه اش تجربه کرده است، قصه گفتن یا قصه نوشتن از جن و پری و دختر شاه پریان مسخره و پیهوده است. او اکنون توقع دیگری دارد. اصلاً به گونه ای دیگر می اندیشد. اگر ادبیات کودک این توقع دیگرگونه او را برآورد و یا اندیشه او را پی نگیرد، محتمل ترین دستاوردش، از دست دادن خواننده اش خواهد بود. ادبیات پی خواننده هم همان بهتر که اصلاً نوشته نشود.

خوب! پس چکار باید کرد؟ باید دریافت و دید که کودک ایرانی اکنون چگونه می اندیشد و واقعاً به چه نیاز دارد؟

این دریافتن و دیدن وظیفه میرم همه نویسندگان پیشرو ادبیات کودکان است. با این دریافتن و دیدن و سپس منعکس کردن این دریافت ها و دیدهاست که نقش و مواضع ادبیات کودک بازسازی خواهد شد. عوامل عینی جامعه هم فرصت مناسبی برای این دیدن ها و دریافتن ها در اختیار

یک نویسنده آگاه قرار می دهد. اصلاً جامعه همیشه چنین سخاوت و گشاده دستی را دارد اما اکنون به گونه ای خاص.

نکته دوم: در حیطه عمل، به گونه ای مکمل نکته اول است. کار نویسندگان باید به وسیله منتقدان آگاه به بررسی و شناخت اصولی گذارده شود. اصولاً ادبیات پی منتقد، ادبیاتی ناقص است. یک منتقد آگاه، وجدان پیدار جامعه است. اوست که باید با شناخت دقیق از کیفیت آثار ادبی، از شرایط جامعه و نیز از موقعیت مخاطب اثر ادبی، حقانیت و ارزش یک اثر را به قضاوت بگذارد و نشان دهد که هر اثر تا چه حد در ایفای نقش خود موفق و ارزشمند یا ناموفق و فاقد ارزش است. یک جریان محروم از انتقاد سازنده همیشه در خطر انحراف، تکرار و کجروی است.

منتقد ادبیات کودک هم باید معیارهای ادبیات کودک را بشناسد، خواست ها، نیازها و سطح پیش کودک را هم دریابد و از وضعیت جامعه و ایجاب های تاریخی آن مطلع باشد و در این صورت یک اثر از ادبیات کودک را به نقد و بررسی و قضاوت بگذارد و نشان دهد که این اثر واقعاً تا چه حد در ایفای نقش حساس خود موفق است. با پا گرفتن یک جریان سالم انتقادی است که ادبیات کودک ما خواهد توانست مسیر درست خود را بیابد.

و در سیر تکاملی آن گام بردارد.
نکته سوم: مربوط به جریسان پر تکرار شیوه نگارش ادبیات کودک در گذشته است. ادبیات کودک ما در گذشته، مخصوصاً در دهه اخیر عمدتاً يك ادبیات استعاری بوده است. ضرورت تاریخی استعاره بحث مفصلی دارد اما به طور خلاصه اشاره کنم که استعاره نویسی زائیده تسلط يك نظام اخلاق و سانسور است. در واقع استعاره يك شگرد ادبی برای فرار از سانسور است. ضرورت این شیوه لااقل به صورت گذشته اش فعلاً مبری شده است. در نتیجه استفاده از شیوه استعاره نویسی در حال حاضر استفاده از يك وسیله غیر ضروری خواهد بود بنابراین باید تا برقراری احتمالی يك نظام سانسور تازه (۱)، از شیوه های نگارشی دیگر استفاده کرد. مناسب ترین شیوه در حال حاضر واقعی نویسی به نظر می رسد. چنانچه در نکته اول اشاره کردم، شرایط عینی جامعه مواد اولیه کافی برای واقعی نویسی نیز اکنون در اختیار نویسندگان می تواند قرار دهد.

نکته چهارم: اما، نکته تازه‌نی است. یعنی مطالبی است که تاکنون در ادبیات کودک به دلائل سیاسی قابل طرح نبوده، اما در هر حال مسئله همیشه مطرحی بوده است.

رؤیسم ضد خلقی گذشته

به بهانه های بی اساس از قبیل ترس از تجزیه طلبی و جدائی خواهی، از طرح رسمی و علنی يك واقعیت موجود قویاً احتراز می کرد و آن وجود زبان های مختلف محلی در ایران بود.

دلائل علمی و تاریخی مشخصی وجود دارد که امکان رشد و بالندگی دادن به فرهنگ ها و زبان های پرخشای محلی هیچ ربطی به امکان ایجاد خواسته های جدائی خواهانه ندارد بلکه اساساً چنین پدیده‌نی در نتیجه مسائل دیگری پیش می آید که از آن جمله می توان به شیوه عملکرد حکومت مرکزی و اعمال ستم های تاریخی - ملی اشاره کرد. در چنین رابطه‌نی، به زیر صلابه کشیدن زبان و فرهنگ خلق های مختلف ملت ایران در واقع سرپوشی برای نهان کردن سباهکاری های رژیم گذشته بوده. به هر حال در چنین شیوه برخوردی از طرف رژیم گذشته با مسئله زبان های محلی، طبعاً مطرح کردن ضرورت آفرینش آثار ادبیات کودک به این زبان ها هم امری ناممکن بود اما اگر تصور کنیم که مطرح نبودن ظاهری يك مسئله، نافی موجودیت و حقانیت آن موضوع

xalvat.com

• در مقاله دیگری (در شماره ۱۸ کتاب جمعه) سعی کرده‌ام نتایج جنایتکار حاصل از اعمال چنین شیوه‌نی را در محدوده کوچکی مانند آموزش نشان دهم.

نیز می‌تواند باشد، البته که به‌کرات دچار اشتباه شده‌ایم. در هر صورت پیدایش ادبیات کودک به‌زبان مادری کودکان یک ضرورت است. دلیلش هم خیلی روشن است؛ یک کودک اثری را که به‌زبان مادریش نوشته شده بهتر می‌تواند بخواند، بفهمد و از خواندن آن احساس لذت کند. یک اثر موفق ادبیات کودک نیز باید هر سه این خصیصه‌ها را داشته باشد.

● نکته پنجم: مربوط به این مسأله است که ما در گذشته به‌دلیل تسلط جریان ذهنی‌گرائی در ادبیات کودک، یک عده نویسنده فاقد شناخت اصولی و دقیق از وضعیت کودکان و نیز معیارهای ادبیات کودک پیدا کرده‌ایم. اینان به‌شهادت آثار موجود و گاه متعددشان نشان داده‌اند که در شناخت درست نقش حساس ادبیات کودک ناظران هستند. فعالیت تازه آنان نیز حاصلی جز انباشتن ادبیات کودک از آثاری بی‌حاصل نخواهد بود. چنین فعالیتی هم طبعاً خالی از مواضع پیشرو خواهد بود و لاجرم به‌جریان صحیح ادبیات کودک لطمه خواهد زد. راه جلوگیری از این همه خسارت هم افشاگری منتقدانه ماهیت چنین جریان‌هایی است.

● و اما نکته ششم: یا نکته آخر گرچه در ظاهر با نکته پنجم تلاقی دارد اما ماهیتاً نکته متفاوتی است. هر

۱۵۰

جریان تازه فوراً يك عده متولی هم پیدا می‌کند. البته امکان دارد که بین این عده افرادی مؤمن و صاحب اصالت هم پیدا بشوند، اما مطمئناً در پس آن‌ها عده‌نسی فرصت‌طلب هم پیدا خواهند شد که برای بهره‌مندی از قواييد کلاسیک تولید می‌کنند. به‌آن جریان روی می‌آورند. کار این عده اخیر اگر هم ظاهراً مترقیانه باشد، اما در اصل و ریشه بی‌پایه و تهی‌از ایمانی واقعی به‌آن جریان خواهد بود.

این عده معمولاً یا در همان آثار بی‌ایمانانه اولیه و یا به‌هر حال در ادامه راه‌شان شدیداً به‌جریان اصلی لطمه می‌زنند و آن را از ماهیت اصیل خودش تهی می‌کنند. من مطمئنم که در آینده - و حتی هم اکنون - نویسندگان انقلابی‌نمایی در ادبیات کودک پیدا خواهیم کرد که در واقع فرصت‌طلب هستند. این‌ها درک صحیح و پایه‌داری از مسأله انقلاب و شرایط جامعه ندارند. این‌ها با استفاده از شرایط عینی جامعه - که در نکته اول بدان اشاره کردم - و نیز با دریافت فرصت‌طلبانه‌نی از خواست جامعه، آثاری را به‌چونمی‌آورند که در واقع با از اصالت و شناخت درستی برخوردار نیست و یا در هر حال ادامه راه‌شان به‌شکلی بی‌پندوبار و غیراصیل در خواهد آمد که آورد این پدیده هم باید در ادبیات کودک شناخته شود و از پای گرفتن و اشاعه آن جلوگیری شود.

